خبر ویژه

ورود ۳ فیلم جدید به سینماها

هفدهمین جلسه شورای صنفی نمایش دیروز سوم آبان در خانه سینما تشکیل شده و بعد از بررسی، قرار داد سرگروهی برای سه فیلم جدید ثبت شده است تا اکران آنها از هفته آینده آغاز شود.

به این ترتیب فیلم سینمایی «طبقه یک و نیم» به کارگردانی نوید اسماعیلی در سرگروه پردیس مگامال توسط دفتر پخش رسانه فیلمسازان مولود اکران می‌شود. فیلم سینمایی «بیرو» نیز به کارگردانی مرتضی علی عباس میرزایی در سر گروه کوروش توسط دفتر پخش نمایش گستران و انیمیشن سینمایی «لوپتو» هم ساخته عباس عسگری در سرگروه پردیس هویزه توسط دفتر پخش بهمن سبز اکران خواهد شد. بر اساس مصوبه شورای صنفی نمایش، قرار است این سه فیلم از هفته آینده روی پرده بروند.

قرار بود پس از پایان ماه صفر فیلم‌های جدید دیگری هم اکران شوند ولی با توجه به ناآرامی‌های اخیر جامعه که منجر به کاهش مخاطب سینما شد، صاحبان آن فیلم‌ها فعلا تمایلی به اکران نداشتند. در این باره دبیر شورای صنفی نمایش (همایون اسعدیان) هم مدتی قبل گفت که طرحی به سازمان سینمایی می‌دهند تا با حمایت بیشتر وضعیت سینماها تغییر کند، چرا که ادامه وضعیت فعلی، بیکاری بسیاری از فعالان در سالن‌های سینما را به همراه دارد./ایسنا

نگاه

فیلمساز روس به دنبال نازی‌ها

کیریل سربرنیکوف، فیلمساز نامتعارف روسیه که این روزها موج نوی سینمای این کشور را رهبری می‌کند، برای سوژه فیلم تازه‌اش سراغ یک مضمون واقعی تاریخی رفته و قصد شکار افراد حزب نازی آلمان هیتلری را دارد. «ناپدید شدن جوزف منگله» یک درام تاریخی است که فیلمنامه اقتباسی‌اش براساس داستان پرخواننده‌ای به همین نام نوشته شده است. داستان فیلم به بررسی زندگی و فعالیت‌های جوزف منگله از اعضای حزب نازی می‌پردازد. او یک دکتر نیمه دیوانه بود که تخصص خود را در اختیار ماشین کشتار هیتلر و ارتش فاشیستی نازی قرار داد. منگله از جمله کسانی بود که بعد از سرنگونی فاشیسم و پایان جنگ به‌صورت مخفیانه و مبدل از آلمان فرار کرد و راهی آمریکای جنوبی شد. تلاش دولت‌های اروپایی برای پیدا کردن او بی‌نتیجه ماند تا سال ۱۹۷۹ که در کشور برزیل مرد، کسی اطلاعی از محل اختفایش نداشت. پس از مرگ منگله، بسیاری گفتند او از چنگ عدالت فرار کرد و در یک دادگاه جنگی عادلانه محاکمه و محکوم نشد. اولیور گوئز، رمان خود را در سال ۲۰۱۶ نوشت و تاکنون به بیش از ۳۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است.

سربرنیکوف می‌گوید مدت‌هاست که به‌دنبال ساخت ناپدید شدن جوزف منگله است. ظاهرا مشکل اصلی در امر تولید فیلم، هزینه‌های بالای آن بوده است. رسانه‌های گروهی روسیه در این باره اظهار نظر می‌کنند که این درام پرتنش تاریخی تا امروز گران‌ترین و پرخرج‌ترین ساخته سینمایی سربرنیکوف است. صحنه‌های فیلم در اروگوئه، برزیل، مکزیک و آلمان فیلمبرداری می‌شود. سربرنیکوف که شیفته داستان گوئز شده، قصد دارد اقتباسی وفادارانه از کتاب او داشته باشد و برای همین این داستان از نظر خود منگله تعریف شده و به بیان سال‌های مهاجرت او و زندگی پنهانش در جنگل‌های برزیل و پاراگوئه می‌پردازد. سربرنیکوف بعد از آن‌که قاره اروپا را پشت سر گذاشت و از بازیگران بسیار زیادی تست گرفت، بالاخره دیل آلمانی را برای ایفای نقش منگله انتخاب کرد. تماشاگران سینما قبل از این او را در «پدرسوخته‌های لعنتی» کوئنتین تارانتینو و «جوانی کارل مارکس» رائول پک دیده بودند.

رمان الیور گوئز بعد از انتشار بلافاصله مورد توجه محافل هنری، ادبی و روشنفکرانه قرار گرفت و بحث‌های مربوط به بازماندگان رژیم نازی را در سطح وسیعی مطرح کرد. در حقیقت، داستان برای اولین بار از ارتباط نزدیک حکومت‌های دیکتاتوری آمریکای جنوبی (که رابطه نزدیک و صمیمانه‌ای با آمریکا داشته‌اند و دارند) با افسران و دولتمردان برجسته آلمان هیتلری پرده برداشت. سربرنیکوف که قبل از این در درام ضد جنگ «دانش‌آموز» سال ۲۰۱۶ خود به بحث درباره فاشیسم پرداخته بود، ساخت ناپدید شدن منگله را وظیفه‌ای مردمی و انسانی می‌داند. به گفته فیلمساز: «کار نوشتن فیلمنامه را با همکاری گوئز و تحت نظر او نوشتم. تلاش هر دوی ما این بود که تاریخ را به شکلی درست و دقیق بیان و تعریف کنیم. تهیه‌کنندگان فیلم بلافاصله بعد از انتشار داستان گوئز، امتیاز برگردان سینمایی آن را خریدند. می‌دانم که آنها هم بسیار مشتاق ساخته شدن فیلم هستند. هدفم فقط تعریف یک داستان سیاه مربوط به تاریخ گذشته نیست. می‌خواهم همه بدانند این مشکل هنوز و تا امروز هم ادامه داشته و صحبت درباره‌اش، اختصاص به یک موضوع تاریخی دور و قدیمی ندارد. با این‌که داستان از زاویه دید منگله تعریف می‌شود اما زاویه دید فیلم کاملا درست و منطقی است و منگله را در شکل و شمایلی واقعی به نمایش خواهد گذاشت.» کلید فیلمبرداری ناپدید شدن منگله تا دو ماه دیگر زده می‌شود./روایتی

گفت‌وگو با شیرین دعبیس، فیلمساز آمریکایی فلسطینی‌تبار

خلق حرکتی تاریخی برای جامعه مهاجر

کیکاووس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

برای شیرین دعبیس فیلمساز فلسطینی‌تبار مقیم آمریکا که با «فقط جنایت‌ها در ساختمان» تماشاگران بین المللی زیادی را جذب داستان‌های اجتماعی و ضد نژادپرستی خود کرده، داستانسرایی موضوعی برای ادامه حیات و زندگی است. او در ابتدای گفت و گویش با خبرنگار و منتقد نشریه ورایتی می‌گوید:« وقتی به من فرصت کارگردانی یکی از اپیزودهای مجموعه فقط جنایت‌ها در ساختمان به نام «پسری از بلوک بی ۶» داده شد که تمرکز داستانش بر روی شخصیتی ناشنواست، می‌دانستم که باید آن را کارگردانی کنم و راهی جز آن ندارم. همین نوع داستان‌هاست که مرا به هیجان می‌آورد، زیرا داستان از نقطه نظر و نگاه کسی گفته می‌شود که تماشاگران بندرت امکان برخورد با آن را پیدا می‌کنند. این نوع داستان‌ها ماجراهای جوامع و افرادی را تعریف می‌کنند که در سطح جامعه نادیده گرفته می‌شوند و از سوی مقامات رسمی تلاش می‌شود به دست فراموشی سپرده شوند. کارنامه کاری‌ام را برپایه تعریف داستان زندگی و فعالیت‌های جامعه مهاجر بنا کرده‌ام و با انجام این کار، تلاشم این است که مردم عادی را متوجه درد و رنج اقلیت‌های قومی و مذهبی کنم و مشکلات این جامعه را در صدر و مرکز توجهات قرار دهم. شاید پرسیده شود چرا این کار را می‌کنم؟ چون چیزهای بسیار زیادی درباره این فراموش شدگان و نادیده گرفته‌شدگان و دردهای آنان می‌دانم.»

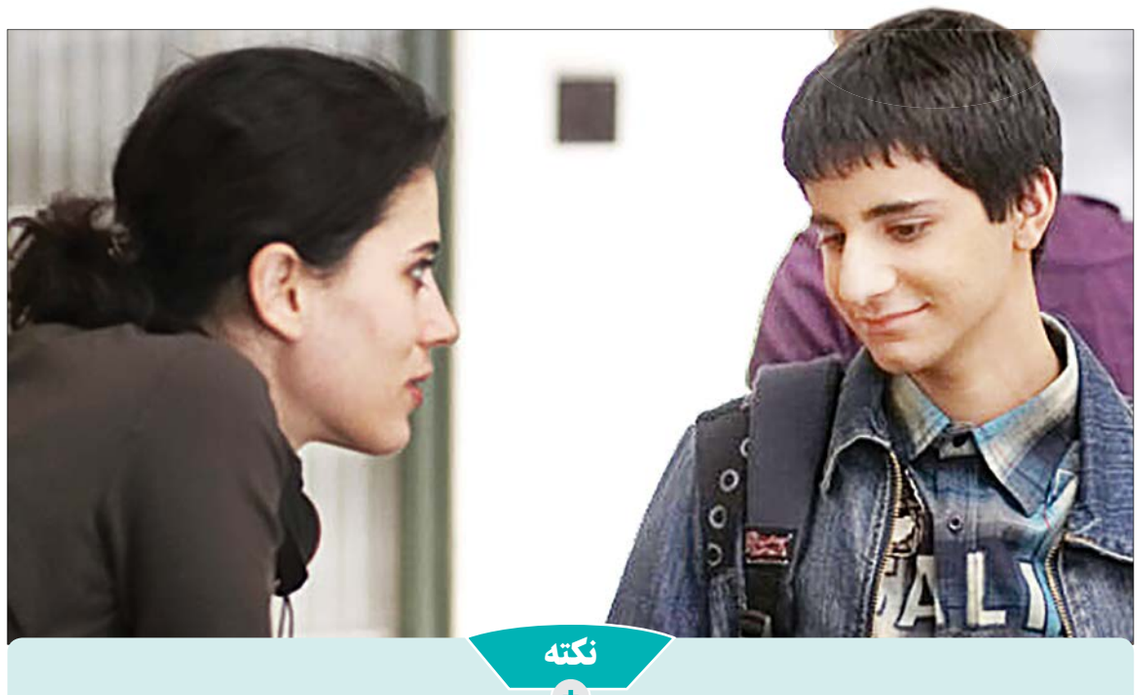

شناسنامه شیرین دعبیس مثل هر هنرمند عرب تبار منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، سرشار از سختی و دردسر و تحقیر و تبعیض است. او در رابطه با پس زمینه اجتماعی‌اش چنین می‌گوید:« در جریان اولین جنگ خلیج‌فارس، والدین فلسطینی- اردنی تبار من که جزو خانواده‌های مهاجر بودند، در شهر کوچک اوهایو بشدت مورد تبعیض و بی‌مهری قرار گرفتند. اسلام‌هراسی در این منطقه هم وجود داشت. نه تنها هر روز با پیام‌های تهدیدآمیز مرگ روبه‌رو می‌شدیم، بلکه حتی یک روز ماموران پلیس فدرال به دبیرستان خواهر ۱۷ ساله‌ام رفتند تا درباره این شایعه تحقیق کنند که او تهدید به قتل رئیس جمهور آمریکا کرده است. من در ۱۴ سالگی مجبور بودم از خودم بپرسم چرا دوستان و همسایگانم ناگهان تغییر جهت و رویه داده و به ما پشت کرده‌اند و به حالت قهر درآمده‌اند. چه چیزی و چه دیدگاه کوفتی‌ای باعث شده بود آنها فکر کنند ما تهدیدی برای‌شان هستیم؟ آنجا بود که به قدرت رسانه و اخبار پی بردم و اهمیت و قدرت فیلم و تلویزیون را کشف کردم.»

کشف اهمیت تاثیر اخبار و دیدگاه‌های برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی، شیرین را به سمت هنرهای تصویری سوق داد. او احساس می‌کرد با فعالیت در رسانه تلویزیون می‌تواند صدای هنرمندان تبعیدی عرب و بقیه اقلیت‌های قومی در آمریکا باشد. به گفته او: « شروع به مطالعه و تحصیل راه‌هایی کردم که در آن ما عرب‌ها و فلسطینی‌ها به شکل خطرناکی بد و نامربوط معرفی شده بودیم. بسیاری از رسانه‌ها و رویدادهای خبری ما را به عنوان شخصیت منفی و منفور داستان معرفی کرده و لقب‌هایی چون تروریست به ما می‌دادند. تر و خشک را با هم سوزانده و همه را به یک چوب می‌راندند. اصلا نحوه تصویرنگاری ازما غلط و بشدت ارتجاعی بود. وظیفه خودم می‌دانستم در جهت تغییر این وضعیت تلاش و حرکت کنم. ادراک و کسب تجربه نسبت به این‌که بی‌توجهی به عواقب چنین دیدگاه‌هایی چقدر هولناک می‌تواند باشد و چه عواقب خطرناک و مرگباری دارد، مرا به این سمت هل می‌داد که فعالیت فیلمسازی در سینما و تلویزیون را دنبال کنم و به کار اطلاع‌رسانی درست بپردازم و خبرپردازی‌های دروغین و جعلی در رابطه با اقلیت‌های قومی و مذهبی را افشا کنم. دیگر برای خودم وظیفه حمایت از جامعه اقلیت خودم را نمی‌دیدم، بلکه در مقیاسی وسیعتر باید در رابطه با تمام جوامع مهاجر و اقلیت حرف می‌زدم.»

شیرین دعبیس بلافاصله بعد از پایان مدرسه فیلم کارفیلمسازی را شروع کرد و فیلمنامه سه اپیزود از مجموعه «کلمه ال» را نوشت. این درام اجتماعی از اولین تولیدات تلویزیونی بود که شخصیتهایی غیر سفیدپوست داشت و افرادی از قومیت‌ها و مذاهب گوناگون در آن حضور داشتند. اولین فیلم بلند سینمایی او «آمرییکا» کمدی درامی انتقادی بود که در محور آن یک خانواده آمریکایی فلسطینی‌تبار مهاجر قرار داشتند. به نوشته رسانه‌های گروهی این فیلم (که حتی نوع نوشتن نام فیلم هم نوعی شوخی و انتقاد به آمریکا و سیاست‌هایش نسبت به اقلیت‌های قومی و نژادی مهاجر بوده است) اولین فیلم عربی/آمریکایی بود که توانست در حد زیادی توسط شرکت‌های توزیع فیلم، توزیع و پخش شود و لقب اولین فیلم تاریخ سینمای آمریکا را گرفت که توانست بیشترین تعداد سالن سینما را در اختیار خود داشته باشد. شیرین در دومین فیلم خود «ماه می در تابستان» تلاش می‌کند داستان اجتماعی و غیرمتعارف و سنگین خود را به زبانی ساده‌تر تعریف کند تا بتواند تماشاچی بیشتری جذب کند و به سینمای مردم پسند نزدیکتر شود. این کمدی رومانتیک تماشاچی خود را به اردن می‌برد و داستان‌هایی درباره دو زن عرب و آمریکایی عرب‌تبار تعریف می‌کند.

هر حرکتی از سوی هر کسی برای نمایش موفقیت‌آمیز چهره درست مهاجران، یک پیروزی برای همه ماست. ارائه تصویری درست از اقلیت‌ها تنها ماموریت شخصی من نیست و می‌دانم بقیه هنرمندان مهاجر هم مثل من فکر و عمل می‌کنند

بعد از آن، دعبیس دوباره به تلویزیون برمی‌گردد و این بار به عنوان فیلمساز و نه فیلمنامه‌نویس و «رامی» را کارگردانی می‌کند که به قول خودش «حرکتی تاریخی برای جامعه عرب بود و تصویری درست و غیر جعلی از اقلیت‌های قومی ارائه می‌داد.» نکته جالب این است که در همین ایام از سوی تولیدکنندگان مجموعه ارتجاعی و نژادپرستانه «هوملند/ سرزمین مادری» هم دعوت به کار می‌شود که او قاطعانه این دعوت را رد و علیه مضمون و حال و هوای آن موضع‌گیری رسمی می‌کند. این مجموعه که توسط تندروهای آمریکایی تهیه و تولید شده، در داستان خود تصویری غلط از مردم کشورهای عرب، آسیا و مرکز آفریقا را به نمایش می‌گذارد که با واکنش منفی منتقدان و گروه‌های اجتماعی فعال مدنی در آمریکا روبه‌رو شد. منتقدان هنری با توجه به استقبال بسیار زیادی که از پسری از بلوک ۶ شد، می‌گویند شیرین دعبیس در کار خود و تلاش برای جلب توجه تماشاگران به مسائل و مشکلات اقلیت‌های قومی و نژادی موفق بوده و توانسته صدای اقلیت خاموشی باشد که به دنبال بیان و اثبات بیگناهی خویش است./روایتی

نکته

داستانگویی؛ تلاشی برای ادامه بقا

دعبیس از پیروزی برای اقلیت‌های قومی و نژادی صحبت می‌کند و در ادامه می‌گوید:« هر حرکتی از سوی هر کسی برای نمایش موفقیت‌آمیز چهره درست مهاجران، یک پیروزی برای همه ماست. ارائه تصویری درست از اقلیت‌ها تنها ماموریت شخصی من نیست و می‌دانم بقیه هنرمندان مهاجر هم مثل من فکر و عمل می‌کنند. با این وجود، برای من امکان کارگردانی اپیزود پسری از بلوک بی ۶، یک شانس بود و می‌دانستم مسئولیت بزرگی برای اجرای درست آن دارم. خالقان و فیلمنامه‌نویسان مجموعه قبل ازمن دست به خلق شخصیتی ناشنوا و پیچیده زده بودند و حالا من باید به این شخصیت حال و هوای تازه و متفاوتی می‌دادم. نکته جالب این بود که اپیزود من، خودش یک فیلم بلند سینمایی به حساب می‌آمد. برای این کار کمک بسیار زیادی از جامعه ناشنوایان گرفتم و این مساله، خیلی به کمکم آمد. همان گونه که شخصیت‌های مهاجر کارهای قبلی ام آدمهایی منفعل نبوده و مهاجر بودن‌شان ضعف تلقی نمی‌شد، در اینجا هم ناشنوا بودن یک ضعف معرفی نمی‌شود. برعکس، برمبنای حال و هوای داستان‌های جنایی پررمز و راز، ناشنوا بودن شخصیت محوری باعث می‌شود دست بالا را در مناسبات داشته باشد. برای افرادی مثل من، داستانگویی، یک ضرورت و تلاش برای ادامه حیات و بقاست. راهی است برای دیده شدن تادنیا بتواند کمک کند شنونده و بیننده چیزها و موضوعاتی باشد که شاید ترجیح بدهد نشنود و نبیند و وجودشان را انکار کند. من فیلم می‌سازم تا دنیا ما را ببیند و به عنوان یک قربانی، تهدید یا مزاحم درنظر نگیرد.»

گزارش

حمایت از ویل اسمیت برای اکران فیلم جدیدش

چهره‌های هالیوودی از اکران فیلم «رهایی» با بازی ویل اسمیت حمایت کرده‌اند و فیلم را تاثیرگذار خوانده‌اند.

نمایش فیلم «رهایی» ساخته آنتوان فوکوا با بازی ویل اسمیت در نقش اصلی به دلیل سیلی‌ای که این بازیگر در مراسم اسکار به صورت کریس راک مجری مراسم نواخت مدت‌ها به تعویق افتاد. اکنون در یک نمایش ویژه، این فیلم برای شماری از مهمانان هالیوودی روی پرده رفت و با اقبال آنها روبه‌رو شد.

اسمیت با انتشار تصویری از خود و مهمانانش در مراسم نمایش فیلم نوشت: «شب حماسی. ممنون که به دیدن رهایی آمیدید. امیدوارم لذت ببرید!!»

در فیلم رهایی اسمیت در نقش برده‌ای فراری ظاهرشده که پس از پخش عکس‌هایی از زخم‌های وحشتناکی که در پشت او به دلیل شلاق‌های برده‌دارها ایجادشده، شناخته می‌شود. وی در این فیلم در باتلاق‌های لوییزیانا در حال فرار است تا از دست صاحبان مزرعه‌ای که او را تا حد مرگ کتک زده بودند، بگریزد.

تیلر پری نویسنده، کارگردان و بازیگر در اینستاگرام خود نوشت: هنوز تحت تعقیب رهایی هستم. واقعا قوی، پرتحرک و برانگیزاننده است. از ویل اسمیت برای پیش‌نمایش این فیلم تشکر می‌کنم.

کنیا باریس کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده هم نوشت: رهایی هنر واقعی، قدرت و هر چیزی دیگری است که یک فیلم باید باشد. دیو شپل کمدین، نویسنده و بازیگر نیز این فیلم را تحسین کرد.

ویل اسمیت که به دلیل آن سیلی به مدت ده سال از حضور در مراسم اسکار محروم شده، تابستان امسال با انتشار ویدیویی از کریس راک و دیگر حاضران مراسم عذرخواهی کرد.

بعد از مدت‌ها تاخیر «رهایی» قرار است از ۲ دسامبر (۱۱ آذر) در سینماها اکران شود و از ۹ دسامبر هم در اپل تی‌وی پلاس پخش شود. به این ترتیب این فیلم می‌تواند در رقابت اسکار هم دیده شود./مهر

دیالوگ ماندگار

اما صلح با چه کسی...

«این کشتار برای این است که کشتار بزرگ‌تری رخ ندهد. برای این‌که زن‌ها و کودکان فلسطینی در یافا توسط همین سربازها قتل عام نشوند. برای اینهایی می‌گویم که دم از صلح می‌زنند، دم از این‌که جنگ بد است! معلوم است که جنگ بد است! معلوم است که کشت و کشتار بد است! صلح هم خوب است، اما صلح با چه کسی!...»

اینها دیالوگی است از فیلم «بازمانده» به کارگردانی مرحوم سیف ا... داد. زمانی‌که صفیه (با بازی سلمی المصری) ماموریت پیدا می‌کند قطار حامی سربازان اسرائیلی را منفجر کند.

رویداد

صدور مجوز نمایش برای ۱۳ فیلم غیرسینمایی

شورای صدور پروانه نمایش آثار غیرسینمایی با نمایش پنج عنوان فیلم داستانی بلند یک عنوان مستند و هفت عنوان فیلم کوتاه داستانی موافقت کرد. شورای پروانه نمایش فیلم‌های غیرسینمایی در جلسه اخیر با صدور پروانه نمایش پنج عنوان فیلم داستانی بلند «دختران باد» به تهیه‌کنندگی محمد احمدی، کارگردانی فریدون نجفی، «سون سوز» به تهیه‌کنندگی سلمان عباسی و کارگردانی رضا جمالی، «بازگشته» به تهیه‌کنندگی مسعود آب‌پرور و کارگردانی ندا محمودی، «سکوت سیاه» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی عبداله دوشن و سلمی بابایی، «کن پامنار» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی اشکان درویشی موافقت کرد. همچنین یک عنوان فیلم مستند «من هنرمندم» به تهیه‌کنندگی محمود صادق ناظری و کارگردانی مرتضی رمضان‌زاده پروانه نمایش آثار غیرسینمایی سازمان سینمایی را اخذ کرد. در این شورا برای آثار کوتاه داستانی «خفقان»، «زنگ ورزش»، «چشمی برای شنیدن»، «حدس فروشنده»، «چه دنیای قشنگی» «پرتاب ناگهانی یک فیل»، «از پشت سر» پروانه نمایش صادر شد./ایسنا

سینما

«کوهستان، بی‌صدا» آماده نمایش شد

فرود عوض‌پور، کارگردان سینمای مستند با اشاره به پایان ساخت مستند «کوهستان، بی صدا» می‌گوید: تصویربرداری مستند «کوهستان، بی‌صدا» بعد از گذشت بیش از ۲ سال به پایان رسید و با پایان مراحل صداگذاری و تدوین این مستند برای حضور در جشنواره «سینما حقیقت» به دبیرخانه این جشنواره ارائه شده است. نکته مهم در ساخت «کوهستان، بی صدا» این بود که پروژه در چهار فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان تصویربرداری شده است اما به دلیل این‌که سال اولی که تصویربرداری شروع شد در منطقه موردنظر برف نیامده بود، ادامه کار را به زمستان سال بعد موکول کنیم. او ادامه داد: در حال حاضر، این مستند با زمان ۷۵ دقیقه آماده نمایش است، با سوژه این مستند طی سفر کاری که به لرستان داشتم آشنا شدم و بعد از بازگشت، طرح اولیه این پروژه را آماده کرده و آن را به آقای لشکری پور تهیه کننده پروژه ارائه کردم و بعد از این‌که به وی به توافق رسیدیم پروژه به مرحله تولید رسید. عوض‌پور خاطرنشان کرد: هرچند به تازگی پروانه ساخت سینمایی پروژه من صادر شده اما بی‌شک قرار نیست که سینمای مستند و کوتاه را فراموش کنم، در واقع همین حالا نیز سوژه مستند بلند بعدی خود را انتخاب کرده‌ام./مهر